

# خلاصه مباحث مطرح شده در کلیسا (Online)

## موضوع اصلی: شادی در زندگی معنادار (زمانی جهت تفکر)

### مقدمه

در هفته‌ای که گذشته مصاحبه‌ای با یک مغازه دار انجام شد. این مغازه دار بسیار اندوهگین بود. یک سال پیش او و همسرش مغازه‌ای جهت فروش لباس خریده بودند. اما به دلیل بحران کرونا آنها نتوانستند مجموعه زمستانی خود را بفروش رسانند. آنها به دلیل این شرایط امید خود را از دست داده بودند و از خود می‌پرسیدند که چرا این مغازه را خریده‌اند و اکنون این مغازه ارزش خود را از دست داده است.

ما نیز ممکن است چنین احساساتی را داشته باشیم و از خود بپرسیم که این همه تلاشی که انجام می‌دهیم چه سودی خواهد داشت؟ چرا کار می‌کنیم یا تحصیل می‌کنیم؟ در طول قرنطینه

دوم بخصوص ممکن است که این افکار به سراغمان بیاید. واعظ کتاب جامعه در کتاب مقدس چنین شرایطی را پوچی می‌نامد. و نسبت به تکرار آن در کتاب خود اقدام می‌کند. نتیجه گیری او از زندگی چنین است: همه چیز باطل است!

### 📖 جامعه، باب اول، آیات ۱ الی ۱۸

اینها سخنان پسر داوود است که در اورشلیم سلطنت می‌کرد و به «حکیم» معروف بود: بیهودگی است! بیهودگی است! زندگی، سراسر بیهودگی است! آدمی از تمامی زحماتی که در زیر آسمان می‌کشد چه نفعی عایدش می‌شود؟ نسلها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند، ولی دنیا همچنان باقی است. آفتاب طلوع می‌کند و غروب می‌کند و باز با شتاب به جایی باز می‌گردد که باید از آن طلوع کند. باد به طرف جنوب می‌وزد، و از آنجا به طرف شمال دور می‌زند. می‌وزد و می‌وزد و باز به جای اول خود باز می‌گردد. آب رودخانه‌ها به دریا می‌ریزد، اما دریا هرگز پر نمی‌شود. آبها دوباره به رودخانه‌ها باز می‌گردند و باز روانه دریا می‌شوند. همه چیز خسته کننده است. آنقدر خسته کننده که زبان از وصف آن قاصر است. نه چشم از دیدن سیر می‌شود و نه گوش از شنیدن آنچه بوده باز هم خواهد بود، و آنچه شده باز هم خواهد شد. زیر آسمان هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد. آیا چیزی هست که درباره‌اش بتوان گفت: «این تازه است»؟ همه چیز پیش از ما، از گذشته‌های دور وجود داشته است. یادی از گذشتگان نیست. آیندگان نیز از ما یاد نخواهند کرد. من که «حکیم» هستم، در اورشلیم بر اسرائیل

سلطنت می‌کردم. با حکمت خود، سخت به مطالعه و تحقیق درباره هر چه در زیر آسمان انجام می‌شود پرداختم. این چه کار سخت و پرزحمتی است که خدا به عهده انسان گذاشته است! هر چه را که زیر آسمان انجام می‌شود دیده‌ام. همه چیز بیهوده است، درست مانند دویدن به دنبال باد! کج را نمی‌توان راست کرد و چیزی را که نیست نمی‌توان به شمار آورد. با خود فکر کردم: «من از همه پادشاهانی که پیش از من در اورشلیم بوده‌اند، حکیمتر هستم و حکمت و دانش بسیار کسب کرده‌ام.» در صد برآمدم فرق بین حکمت و حماقت، و دانش و جهالت را بفهمم؛ ولی دریافتم که این نیز مانند دویدن به دنبال باد، کار بیهوده‌ای است. انسان هر چه بیشتر حکمت می‌آموزد محزونتر می‌شود و هر چه بیشتر دانش می‌اندوزد، غمگینتر می‌گردد.

---

این کتاب، کتاب بسیار خاصی است. شاید به آن به عنوان یک کتاب منفور و منفی بنگرید. اما این کتاب دارای معانی خاص و منحصر بفردی است. هدف این کتاب این است که انسانها به معنای زندگی فکر کنند و همچنین سعی نمایند به سوالات زیر پاسخ دهند: چرا انسانها کار می‌کنند؟

تلاشهای مستمر انسانها در زندگی چه سودی در بر خواهد داشت؟ شاید شخصی بتواند شغل بهتری داشته باشد و در ازای آن وقت کمتری برای خانواده یا سرگرمی خود اختصاص دهد. یا شخصی می‌تواند زندگی تجملاتی داشته باشد و در عین حال غم و اندوه بیشتری برای مراقبت از چنین دارایی و تجملاتی داشته باشد. پس

این تلاش‌ها چه فایده‌ای دارد؟ کتاب جامعه به عنوان یک انجیل  
خبر خوبی برای افراد مشغول می‌باشد و به ما کمک می‌کند تا به  
معنای زندگی فکر کنیم!  
ما از نویسندگان این کتاب چیزی نمی‌دانیم که مساله چندان مهمی  
نیست زیرا پیام او مهم است!

### هیچ چیزی جدیدی در زیر تابش خورشید وجود ندارد

مضمون این فصل این است: پوچی. و نویسندگان مانند کسی است  
که فیلمی می‌سازد. فیلمی که در بردارنده تمام جوانب زندگی است.  
و هدف آن پاسخ به این سوالات است: معنی زندگی چیست؟ آیا  
تغییری در نحوه زندگی ما ایجاد شده است؟ آیا همه تغییرات فنی  
و تکنولوژیک سال‌های گذشته، واقعاً به بشر کمک کرده است؟ مواد  
مختلف در طی سالیان متمادی محیط زندگی و طبیعت زمین را  
آلوده می‌کنند. اینک پلاستیکها در همه جای کره زمین وجود دارند.  
سفرهای ما عالی بنظر می‌آید، اما روزانه ترافیک بسیار و تصادف  
بیشماری داریم.

طی سالهای طولانی سیمون ویزنتال مجرمان آلمانی را که در طول  
جنگ جهانی دوم مردم را به طرز وحشیانه‌ای قتل عام می‌کردند،  
دستگیر می‌نمود. اما وقتی ۱۱۰۰ نفر از آنها توسط سیمون گرفتار  
شدند، او گفت: با این کار من هیچ تغییری در این دنیا رخ نمی‌دهد.  
هنوز جنگ‌هایی در جریان است.

واعظ این کتاب در آیات ۶ و ۷ می‌گوید: همه چیز هنوز همان است  
و ما همیشه مشغول هستیم. اما چه چیزی هست که در این میان  
به ما کمک نماید؟

## تلاش پس از باد

بنابراین ... آیا همه چیز بیهوده است؟

از این آیات می توان چنین برداشت نمود. اما نویسنده اغراق می کند و این اغراق به صورت عمدی می باشد. در واقع نویسنده می داند که ما وقت زیادی را در این زندگی به بطالت می گذرانیم و او می خواهد به ما بفهماند که باید به زندگی فکر کنیم و به این سوالات پاسخ دهیم:

واقعاً چه چیزی در این زندگی ارزش دارد؟

هدف از زندگی چیست؟

باید واقع بین بود که ما به عنوان یک انسان نمی توانیم زندگی را برنامه ریزی کنیم. به بیانی دیگر ما قادر به خلق زندگی و مدیریت زندگی در تمام جنبه های آن نیستیم.

این گناه ماست که تصور می کنیم مثل خدا هستیم و تصور می کنیم که عنان زندگی در دستان ماست. اما حقیقت این است که بدون خدا هیچ اختیاری نداریم. ما به کمک او، فضل او، عشق او و راهنمای او نیاز داریم. آیا این حقیقت را درک می کنیم؟

در آیه ۱۵ واعظ به یک نتیجه می رسد. وقتی درخت بیدی خم شده است، شما نمی توانید آن را صاف نمایید. یا اگر یک گل شکسته باشد، شما نمی توانید آن را مجدداً به حالت اول بازگردانید و ازدیاد کمبودها قابل شمارش نیست. وقتی عزیزی را از دست دادید، جای خالی ایشان وجود دارد بسیار ناراحت کننده است و نمی توان جای خالی او را جبران نمود.

اکنون جمله آخر آیه ۱۸ را بهتر متوجه می شوید: کسی که دانشش

را افزایش می دهد غمها را افزایش می دهد. گناهان و شکسته شدن در این زندگی و این دنیا به زندگی ما آسیب زد. در مورد آن چه کاری می توانیم انجام دهیم؟

## جستجو کنید و پیدا کنید

چرا نویسنده این کتاب چنین مطالبی را نگارش کرده است؟  
چه پیامی در متن این کتاب نهفته است؟

نویسنده این کتاب می خواهد که ما به زندگی فکر کنیم! اما انسانها در زندگی روزمره خود مشغولیات بسیاری دارند. چرا؟ چون انسانها فکر می کنند که می توانند زندگی خود را مدیریت کنند. اما چه چیزی به واقع به ما کمک می کند؟

جواب این سوال را در متن این کتاب و کل کتاب مقدس می توان یافت. (آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید) از خدا بترسید و احکام او را حفظ کنید. این بهترین کاری است که می توانید انجام دهید! روی خدا تمرکز کنید. بر آنچه او از طریق عیسی مسیح انجام داد تمرکز کنید. او آمد تا ما را از گناهان ما نجات دهد. او می گوید زندگی همیشه یکسان و بدون معنا نیست. او آمد تا بزرگترین تغییر را از قبل انجام دهد. بخاطر او یک شروع جدید ممکن است، بخشش و یک زندگی جدید وجود دارد. او جان خود را برای ما داد! و پادشاهی او خواهد آمد. ما می توانید تغییرات را هنگام ورود او به این دنیا مشاهده کنیم. گناهان بخشیده شدند، بیماران شفا یافتند و مردگان از قبر زنده شدند. کاری که ما نمی توانیم انجام دهیم، او می تواند! پس با او زندگی کنید!

## نتیجه

یک ضرب المثل وجود دارد: سکون برای تأمل می تواند به شما سرعت دهد. بدون شهامت نباشید، بلکه بر خدا تمرکز کنید. کارهای بزرگی از او انتظار داشته باشید و کارهای بزرگی برای او انجام دهید. زندگی بی معنی نیست. اگر او را جستجو کنید، او را پیدا خواهید کرد (اشعیا، باب ۶، آیه ۵۵). با او زندگی کنید، با کسی که شما را دوست دارد!!  
خداوند شما را حفظ نماید!

Pastor/minister Jan Bosch.

---

## Stem van De Goede Herder

Zondagse Samenkomst in Gemeenschap huis  
de Koel

Pastor Geleenplein 6, 6231 BP Meerssen

Meer info: [j.bosch@icloud.com](mailto:j.bosch@icloud.com)

Vertaald door: Nima Naddaf